

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان و ویرایش از عبری به انگلیسی توسط اسرائیل شاهاک  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۸

## طرح صهیونیست برای خاورمیانه

۱

اسرائیل تنودور هرتسل (۱۹۰۴) و خاخام فیشرمن (۱۹۴۷)

تنودور هرتسل، بنیانگذار صهیونیسم در جلد دوم صفحه ۷۱۱ خاطرات کامل خود می گوید که این منطقه، یعنی دولت اسرائیل: "از بروک مصر تا فرات" امتداد می یابد. خاخام فیشرمن، عضو آژانس یهودیان فلسطین، در شهادت خود به کمیته ویژه تحقیق ملل متحد در ۹ جولای ۱۹۴۷ اعلام کرد: "سرزمین موعود از رودخانه مصر تا رود فرات، از جمله قسمتهائی هستند که بخش هائی از سوریه و لبنان نیز شامل آن می باشد".

اودید نینون

"ستراتیژی برای اسرائیل در سال های ۱۹۸۰"

این کتاب توسط انجمن امریکائیان عرب تبار فارغ التحصیل دانشگاه، شرکت بلمونت و ماساچوست مشترکاً در سال ۱۹۸۲ منتشر شده است. با این سند ویژه شماره (ISBN 0-937694-56-8) ۱

فهرست مندرجات

سخن ناشر

۱

برای انجمن فارغ التحصیلان امریکائی عرب تبار و دانشگاهیان این قانع کننده است که در افتتاح سری جدید انتشارات و اسناد ویژه، مقاله اودید نینون در کیوونیم (دستور العمل) مجله وزارت اطلاعات سازمان جهانی صهیونیسم ظاهر شده است. اودید نینون یک روزنامه نگار اسرائیلی است و قبلاً در وزارت امور خارجه اسرائیل کار کرده است. به گواهی منابع اطلاعاتی و به باور ما، این سند صریح ترین، دقیق ترین، بدون ابهام ترین و به روز شده ترین ستراتیژی صهیونیست ها در خاورمیانه است. به علاوه، این سند به عنوان بازنمایی دقیق از "چشم اندازی" برای کل خاورمیانه کنونی رژیم صهیونیستی حاکم به رهبری شارون و ایطان است. از اینرو اهمیت آن، نهفته در ارزش تاریخی آن می باشد که او آن را در کابوسی ارائه میدهد.

۲

برای زنده ماندن اسرائیل، طرح آن ناگزیر می‌باید در دو محور توأمان برنامه‌ریزی و اجراء شود. یک: او تبدیل به یک قدرت منطقه‌ئی امپراتوری-امپریالیستی شود. و دو: باید کل کشورهای عرب موجود منطقه را منحل و یا به کشورهای کوچک تقسیم کرد؛ البته کوچکی در اینجا به ترکیب قومی یا فرقه‌ئی هر کشور بستگی دارد. در نتیجه: صهیونیست امیدوار است که دولت‌ها با بنیاد فرقه‌ئی خود تبدیل به دست‌نشانندگان او، و از قضا، منبع مشروعیت اخلاقی اسرائیل بشوند.

۳

این هدف ایده‌جدیدی نیست؛ و یا این که برای اولین بار در تفکر ستراتیژیک صهیونیست‌ها ظاهر نشده است. در حقیقت، متلاشی کردن کشورهای عربی به واحدهای کوچکتر موضوعی است که به آن باره‌ها مراجعه شده است. این موضوع توسط لیویا روکاچ در کتاب تروریسم مقدس اسرائیل (۱۹۸۰) بر مقیاس نسبتاً کم در انتشارات (AAUG) مستند شده است. اسناد مطالعه‌ی روکاچ، براساس خاطرات موشه شاریت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، در جزئیات قانع‌کننده‌ای، طرحی صهیونیستی است که در اواسط سال‌های دهه‌ی پنجاه آماده و در لبنان عملی شده است.

۴

اولین حمله‌گسترده‌ی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۷۸ بود که این طرح را تا آخرین جزئیات اجراء کرد. حمله‌ی دوم اسرائیل به لبنان در ۶ جون سال ۱۹۸۲ بود که وحشیانه‌تر و فراگیر از پیش‌روی داد با امید که بخش‌های خاصی از این طرح نه فقط در لبنان، بلکه اثرات آن سوریه و همچنین اردن را هم در برگیرد. و به همین خاطر اینجا باید ادعاهای عمومی اسرائیل مبنی بر تمایل به یک دولت مرکزی قوی و مستقل برای لبنان را به استهزاء گرفت؛ زیرا نیت دقیقتر این است که دولت مرکزی در لبنان به نقشه‌های امپریالیستی منطقه‌ئی با امضای یک پیمان صلح مجوز قانونی دهد. آنها همچنین در طرح‌های خود به دنبال تسلیم - رضایت سوریه، عراق، اردن و دیگر دولتهای عرب و مردم فلسطین نیز هستند. آنچه آنها می‌خواهند و آنچه در حال برنامه‌ریزی می‌باشد نه برای یک جهان عرب، بلکه برای یک دنیای عرب چند تکه‌ای است که آماده‌ی تسلیم شدن به هژمونی اسرائیل باشد. از اینرو، اودید ئینون در تألیف -مقاله خود، "یک ستراتیژی برای اسرائیل در سال‌های ۱۹۸۰"، درباره‌ی "فرصت‌های دور رس برای اولین بار از سال ۱۹۶۷" صحبت می‌کند که توسط "وضعیت بسیار طوفانی [که] اسرائیل را احاطه کرده" ایجاد شده است.

۵

سیاست صهیونیست‌آوارگی و تبعید کردن فلسطینیان از فلسطین یک سیاست بسیار فعال بوده است، اما در زمان جنگ مثل جنگ ۱۹۴۷-۱۹۴۸ و در جنگ ۱۹۶۷ با زور و اجبار بیشتر دنبال شد. ضمیمه‌ای تحت عنوان: "اسرائیل از مهاجرت جمعی جدید صحبت می‌کند" که در این نشریه است برای نشان دادن گذشته‌ی صهیونیست‌ها در پراکنده کردن فلسطینیان از سرزمین خود است، و علاوه بر سند اصلی صهیونیستی که ما ارائه می‌دهیم، نقشه‌های دیگر صهیونیستی را که برای خالی کردن فلسطین از فلسطینیان برنامه‌ریزی شده است را نیز نشان می‌دهیم.

۶

از سند و دستورالعمل منتشر شده در فبروری ۱۹۸۲ روشن است که "فرصت‌های دور رس" که ستراتیژیست‌های صهیونیست تصور کرده‌اند، می‌توانند همان "فرصت‌هایی" برای متقاعد کردن جهانیان باشند تا به سود صهیونیسم به کار روند؛ و ادعا می‌کنند این فرصت‌ها توسط حمله‌ی جون ۱۹۸۲ تولید شده است. همچنین پُر واضح است که فلسطینیان هرگز تنها هدف نقشه‌های صهیونیستی نبوده، بلکه از آنجائی که حضور زنده و مستقل آنها به عنوان یک خلق نفی ماهیت دولت صهیونیستی است؛ زدودن شان در اولویت هدف قرار گرفته است. با این حال، هر کشور عربی،

خصوصاً آنهایی که دارای سمت و سوی ملی گرائی روشن و منجم باشند، دیر یا زود هدف واقعی اسرائیل قرار می گیرند.

۷

در تضاد با ستراتیژی دقیق و بدون ابهام و روشن صهیونیستی این سند، متأسفانه، ستراتیژی اعراب و فلسطینی، از ابهام و عدم انسجام رنج می برد. هیچ نشانه ای که ستراتیژیست های عرب در انشعابات کامل طرح صهیونیستی اندیشه کرده اند وجود ندارد. در عوض، هر زمان که مرحله جدیدی از آن طرح صهیونیستی آشکار می شود با ناباوری و شوک واکنش نشان می دهند. این پدیده در واکنش خاموش اعراب، به محاصره بیروت آشکار است. واقعیت غم انگیز آنست که تا زمانی که ستراتیژی صهیونیست ها برای خاورمیانه با واکنش جدی روبه رو نشود واکنش اعراب به محاصره هر پایتخت عربی توسط اسرائیل در آینده همینگونه خواهد بود.

خلیل نخله

۲۳ جولای ۱۹۸۲

**پیشگفتار**

۱

مقاله زیر به عقیده من، طرح دقیق و مفصل از رژیم صهیونیستی کنونی (شارون و ایتان) را برای خاور میانه ای بر مبنای تقسیم تمام منطقه به کشورهای کوچک، و انحلال همه کشورهای موجود عرب را نشان می دهد. من بر جنبه های نظامی این طرح در خاتمه نظر می دهم تا نظر خوانندگان را به چندین نکته مهم جلب کنم:

۲

۱. این ایده که تمام کشورهای عربی باید توسط اسرائیل به واحدهای کوچک تکه تکه شوند، دوباره و دوباره در تفکر ستراتیژیست های اسرائیل رخ می دهد. برای مثال، زئیو شیف، خبرنگار نظامی هارتس (و احتمالاً آگاه ترین فرد در اسرائیل، در مورد این موضوع) درباره "بهترین" چیزی که برای منافع اسرائیل می تواند در عراق اتفاق بیفتد می نویسد: "انحلال عراق به یک دولت شیعی، یک دولت سنی، و تفکیک بخش کردی است" (هارتس ۶/۲/۱۹۸۲). در واقع، این جنبه از طرح خیلی قدیمی است.

۳

۲. ارتباط قوی با اندیشه های نو محافظه کار در امریکا، به ویژه در یادداشت های نویسنده بسیار برجسته است. اما، در حالی که چاپلوسی به ایده "دفاع غرب" از قدرت اتحاد جماهیر شوروی (سابق -م) داده شده، هدف واقعی نویسنده، و تأسیسات کنونی اسرائیل روشن است: تبدیل اسرائیل به یک قدرت امپریالیستی جهانی است. به عبارت دیگر، هدف شارون فریب امریکائی ها پس از فریب دیگران است.

۴

۳. این واضح است که بسیاری از داده های مربوطه، هر دو در یادداشت ها و در متن، در هم ریخته و یا حذف شده اند؛ مثل کمک مالی امریکا به اسرائیل، بیشتر آن فانتزی خالص است. اما، طرح نباید برای کوتاه مدت بی اثر، یا غیرقابل تحقق در نظر گرفته شود. طرح به طور صادقانه ایده های ژئوپولیتیک المان سالهای ۱۸۹۰-۱۹۳۳ را دنبال می کند، که توسط هیتلر و دولت نازی به طور کل بلعیده شد؛ و اهداف خود را در شرق اروپا تعیین نمود. آن اهداف، خصوصاً تقسیم کشورهای موجود، در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۴۱ انجام گرفت، که تنها یک اتحاد موقت و در مقیاس جهانی بود، و برای یک دوره زمانی کوتاه، توانست مانع تثبیت نیات آنها شود.

یاد داشت های نویسنده به دنبال متن می آید. برای جلوگیری از سردرگمی، من چیزی به یادداشت هایم اضافه نکردم، ولی مفاد آنها را در این پیشگفتار و نتیجه گیری گذاشته ام. من با این حال، بر برخی از بخش های متن تأکید کرده ام.

اسرائیل شاهاک

۱۳ جون ۱۹۸۲

ستراتژی برای اسرائیل در سال های ۱۹۸۰

اودید ئینون

این مقاله ابتداء به زبان عبری در کیونیم (دستور العمل)، مجله ای برای یهودیت و صهیونیسم منتشر شد. شماره ۱۴ - زمستان، ۵۷۴۲، فروری ۱۹۸۲، ویرایشگر: یورام بک. هیأت تحریر: الی انیال، یورام بک، آمنون هاداری، یاهانان مانور، الیسیر شووید. توسط وزارت تبلیغات / سازمان جهانی صهیونیست، اورشلیم (بیت المقدس) منتشر شده است.

۱

در آغاز دهه هشتاد دولت اسرائیل به یک چشم انداز جدید برای رسیدن به اهداف ملی خود در داخل و خارج نیاز داشت. این نیاز با توجه به تعدادی از فرایندهای مرکزی که کشور، منطقه و جهان دستخوش آن شده بود، حتی بیشتر حیاتی گشته است. ما امروز در مراحل اولیه یک عصر جدید در تاریخ بشری زندگی می کنیم که شبیه به سلف خود نیست، و ویژگی های آن کاملاً از آنچه که تاکنون شناخته ایم متفاوت است. به همین دلیل است که ما به درک فرایندهای مرکزی که با نمونه مشخص این دوره تاریخی از یک سو، و از سوی دیگر به یک چشم انداز جهانی و ستراتیژی عملیاتی طبق شرایط جدید نیاز داریم. وجود، رفاه و ثبات دولت یهودی تنها در اتخاذ یک چارچوب جدید برای امور داخلی و خارجی آن است که آن نیز خود بستگی به توانائی های او دارد.

۲

این دوره را توسط چندین صفت است که می توانیم تشخیص دهیم، امری که با یک نماد انقلاب واقعی در شیوه زندگی کنونی ما مشخص شده است؛ و آن روند غالب از کار افتادگی خردگرایی، چشم انداز انسانی به عنوان سنگ بنای اصلی حمایت از زندگی و دستاوردهای تمدن غرب پس از رنسانس است. دیدگاه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که از این پایه سرچشمه گرفته اند بر مبنای چندین "حقیقت" قرار گرفته که اکنون در حال ناپدید شدن هستند - برای مثال: دیدگاهی که انسان را به عنوان یک فرد مرکز جهان می بیند و هر چیزی که وجود دارد به منظور برطرف کردن نیازهای اولیه او است؛ این موقعیت در حال حاضر باطل است وقتی که روشن شده است که مقدار منابع در جهان برای احتیاجات انسان، نیازهای اقتصادی یا گرفتاری های فردی او کافی نیست. در جهانی که چهار میلیارد انسان هستند و اقتصاد و منابع انرژی به همان نسبت برای نیازهای انسان رشد نمی کند، این غیر واقعی است که انتظار داشت نیازهای اصلی جامعه غربی برآورده شود. ۱. برای مثال: آرزو و آرمان برای مصرف بی حد و حصر! دیدگاهی که اخلاق هیچ نقشی در تعیین مسیر خواست انسان ندارد، اما نیازهای مادی او این فرصت را دارد - این دیدگاه امروزه رایج است؛ همانگونه که می بینیم جهانی که تقریباً تمام ارزش هایش در حال نابودی هستند. ما در حال از دست دادن توانائی برای ارزیابی ساده ترین چیزها، خصوصاً وقتی که نگران پرسش ساده چه چیزی خوبست و چه چیزی بد است، هستیم.

۳

وقتی که ما شاهد فروپاشی نظم جهان اطراف خود هستیم، چشم انداز آرمان ها و توانائی بی حد و حصر انسان در مواجهه با واقعیت های غم انگیز زندگی کوچک می شود. دیدگاهی که وعده آزادی و استقلال به انسان می دهد در پرتو

این واقعیت غم انگیز که سه چهارم از نژاد بشر تحت رژیم های استبدادی زندگی می کنند پوچ به نظر می رسد. دیدگاه هائی که نگران برابری و عدالت اجتماعی هستند توسط سوسیالیسم و به ویژه توسط کمونیسم به مایه خنده تبدیل شده اند. هیچ استدلالی به عنوان حقیقت به این دو ایده وجود ندارد، اما روشن است که آنها بدرستی تجربه نشده و اکثریت نوع بشر آزادی، استقلال و فرصت برای برابری و عدالت را از دست داده است. در این جهان هسته ئی که ما (هنوز) برای سی سال در آرامش نسبی زندگی می کنیم، مفهوم صلح و همزیستی میان ملت ها معنائی ندارد وقتی که یک ابر قدرت مثل اتحاد جماهیر شوروی دارای نوع دکتترین نظامی و سیاسی است، که بر اساس آن فقط یک جنگ هسته ئی امکانپذیر و لازم است تا به اهداف مارکسیسم برسد؛ اما در این میان پرسش پایه این است که آیا امکان دارد که پس از جنگ هسته ئی کسی زنده بماند؟ پاسخی برای این فرضیه در میان دشمنان هنوز نیست. ۲.

۴

مفاهیم اساسی جامعه بشری، خصوصا آنهایی که در غرب هستند، با توجه به تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی در حال تغییراند. بنا بر این، قدرت هسته ئی و سلاح های متعارف اتحاد جماهیر شوروی در مقایسه با جنگ های جهانی گذشته که تنها بازی کودکانه بوده اند، عصری را پیش بینی می کند که فقط به آخرین مهلت قبل از حماسه بزرگ شبیه است. عصری که که بخش بزرگی از جهان ما را در یک جنگ جهانی چند بعدی می تواند تخریب کند، مبدل ساخته است. قدرت هسته ئی و همچنین سلاح های متعارف، کمیت آنها، کیفیت و ظرافت آنها اکثر جهان ما را ظرف چند سال زیر و رو می کند، و ما باید خودمان را با آن چنان چشم اندازی همتراز کنیم تا با آن در اسرائیل روبه رو شویم. پس، تهدید اصلی به موجودیت ما و جهان غرب، این است. ۳. جنگ بر سر منابع در جهان، انحصار اعراب بر نفت، نیاز غرب به واردات بسیاری مواد خام از جهان سوم، جهانی را که ما می شناسیم دگرگون می سازد، با توجه به اهداف اصلی اتحاد جماهیر شوروی شکست غرب با به دست آوردن کنترل بر منابع عظیم در خلیج فارس و در بخش جنوبی افریقا است، که بسیاری از منابع جهان در آن قرار دارند. ما می توانیم ابعاد رویارویی جهانی را که در آینده با آن روبه رو خواهیم شد تصور کنیم.

۵

دکترین خروشچف خواستار کنترل شوروی بر اقیانوس ها و منابع غنی مناطق جهان سوم است که همراه با حضور و دکتترین هسته ئی شوروی ممکن است در جنگ هسته ئی زنده بماند و پیروز شود. و این در حالی ست که ممکن است قدرت نظامی غرب نیز نابود شود و ساکنان آن بردگانی در خدمت مارکسیسم-لنینیسم ساخته شوند؛ و این خطر اصلی برای صلح و موجودیت خود ما نیز هست. از سال ۱۹۶۷ شوروی ها، اظهار نظر کلاوس ویتز مبنی بر "جنگ ادامه سیاست در نوع هسته ئی" ست را دگرگون کرده است، و این شعار راهنمای تمام سیاست های آنها می باشد. اکنون و امروز آنها مشغول انجام اهداف خود در منطقه ما و سراسر جهان هستند، و نیاز مواجه شدن با آنها عنصر اصلی در سیاست امنیتی کشور ما و البته بقیه جهان آزاد است. این بزرگترین مشکل خارجی ما است. ۴.

۶

بنابراین، جهان مسلمان عرب، مشکل ستراتیژیک اصلی نیست که ما باید در دهه ۸۰ با آن روبه رو شویم؛ علی رغم این واقعیت که با توجه به قدرت نظامی خود، تهدید اصلی علیه اسرائیل را حمل پیش می برد. این جهان با اقلیت های قومی خود، جناح های آن و بحران های داخلی، که به طرز حیرت انگیزی هر یک مخرب خود هستند، همانگونه که ما می توانیم در لبنان، در ایران غیر عرب و اکنون در سوریه ببینیم، که آنها قادر به مقابله موفقیت آمیز با مشکلات اساسی خود نیستند و بنا بر این یک تهدید واقعی علیه دولت اسرائیل را در درازمدت تشکیل نمی دهند؛ اما فقط در کوتاه

مدت است که قدرت نظامی فوری آن دارای اهمیت زیاد است. در درازمدت، این جهان در چارچوب فعلی خود در مناطق اطراف ما بدون این که نیازی به رفتن به تغییرات واقعی انقلابی باشد قادر به موجودیت نیست. جهان عرب مسلمان مثل یک خانه موقت از گذاشتن کارت / کارتن با یکدیگر توسط خارجی ها (فرانسه و بریتانیا در سال های ۱۹۲۰)، بدون این که خواست و تمایل ساکنان آن در نظر گرفته شود ساخته شده است. جهان عرب مسلمان خودسرانه به ۱۹ کشور، همه ترکیبی از گروه های قومی و اقلیتی که دشمن یکدیگرند، تقسیم شده است، به طوری که امروز هر کشور مسلمان عرب از درون با تخریب اجتماعی قومی خود روبه رو است، و در برخی نقاط جنگ داخلی شدیدی وجود دارد. ۵.

اغلب اعراب، ۱۱۸ میلیون از ۱۷۰ میلیون، در افریقا، غالباً در مصر (امروز ۴۵ میلیون) زندگی می کنند.

ادامه دارد

### منابع:

۱. کارکنان رشته دانشگاه های امریکائی. گزارش شماره ۳۳، ۱۹۷۹. طبق این تحقیق، جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ به ۶ میلیارد نفر خواهد رسید. جمعیت جهان امروز را می توان چنین برشمرد: چین، ۹۵۸ میلیون نفر؛ هند، ۶۳۵ میلیون نفر؛ اتحاد جماهیر شوروی، ۲۶۱ میلیون نفر؛ امریکا، ۲۱۸ میلیون نفر؛ اندونزی، ۱۴۰ میلیون نفر؛ برزیل و جاپان هرکدام ۱۱۰ میلیون نفر. طبق آمار وجوه جمعیت ملل متحد برای سال ۱۹۸۰، در سال ۲۰۰۰، پنجاه شهر با جمعیت بیش از ۵ میلیون نفر وجود خواهد داشت. جمعیت جهان سوم؛ ۸۰ درصد جمعیت جهان خواهد بود. طبق نظر جاستین بلک ولدر (Justin Blackwelder)، رئیس دفتر آمار امریکا، جمعیت جهان به دلیل گرسنگی به ۶ میلیارد نخواهد رسید.

۲. سیاست هسته نی شوروی به وسیله دو امریکائی متخصص شوروی: جوزف د. داگلاس (Joseph D. Douglas)، و اموریتا م. هوپبر (Amoretta M. Hoeber)، خلاصه شده است. ستراتیژی شوروی برای جنگ هسته نی، (استنفورد، کالیفرنیا، انتشار هوپبر، ۱۹۷۹). در شوروی ده ها و صدها مقاله و کتاب هر سال منتشر می شود که جزئیات دکرین شوروی برای جنگ هسته نی را شرح می دهد و مقدار زیادی اسناد و مدارک توسط نیروی هوایی امریکا، از جمله درباره نیروی هوایی امریکا به انگلیسی ترجمه شده است: مارکسیست لنینیست، جنگ و ارتش؛ دیدگاه شوروی، مسکو، ۱۹۷۲؛ نیروی هوایی شوروی، نوشته مارشال گریچگو (Marshal. Grechko)، مسکو، ۱۹۷۵. رویکرد اساسی شوروی به این موضوع در کتاب توسط مارشال سوکولوسکی (Marshal Sokolovsky) ارائه شده که در سال ۱۹۶۲ در مسکو منتشر شده است: مارشال و د. سوکولوسکی، ستراتیژی ارتش نظامی، دکترین و مفاهیم و شوروی (نیویورک، پریگر، ۱۹۶۳).

۳. تصویر نیات شوروی در مناطق مختلف جهان را می توان از کتاب داگلاس و هوپبر برداشت کرد، همانجا برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: کتاب مایکل مورگان، "مواد معدنی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان سلاح ستراتیژیک در آینده"، دفاع و امور خارجه، واشنگتن، دی. سی، دسامبر ۱۹۷۹.

۴. فرمانده ناوگان سرگئی گورسخوف (Sergei Gorshkov)، قدرت بحری و دولت، لندن، ۱۹۷۹. مورگان، لاک. (loc). سیت. (cit) ژنرال جورج س. براون (George S. Brown)، (نیروی هوایی امریکا) سی - جی سی اس، خطاب به کنگره درباره شکل دفاعی امریکا برای سال مالی ۱۹۷۹، ص. ۱۰۳؛ شورای امنیت ملی، بررسی سیاست سوخت غیر معدنی، (واشنگتن، دی. سی، ۱۹۷۹)؛ درو میدلتون (Drew Middleton)، نیویورک تایمز، (۱۹۷۹/۹/۱۵)؛ تایم، (۱۹۸۰/۹/۲۱).